

آثار تمدنی خانواده مستحکم در سیره معصومان علیهم السلام

* پوران خدادادی

** سید ضیاءالدین میرمحمدی

*** محمدجواد واعظی

چکیده

رکود تمدنی جهان اسلام متأثر از فرهنگ غرب، رکودی فرهنگی است که همه حوزه‌های تمدنی از جمله کانون خانواده را، متأثر ساخته است. تمدن‌گراها تنها راه برون‌رفت از این رکود را، رجوع به منابع دینی جهت استخراج، دستیابی و استنباط فرهنگ دینی با هدف جایگزین کردن این فرهنگ به جای فرهنگ غربی می‌دانند. جایگاه خانواده به عنوان اولین نهاد تمدنی، این امکان را می‌دهد که نقطه خوبی برای شروع تحولات اساسی در حوزه فرهنگ و تمدن محسوب گردد. این پژوهش با هدف تبیین تأثیرات خانواده مستحکم دینی بر تحولات تمدنی، به تبیین آثار تمدنی خانواده مستحکم می‌پردازد. حاصل اینکه؛ حاکم شدن نظام معنایی دینی برگرفته از سیره معصومان علیهم السلام (نظامی مشتمل بر معرفت‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی) در خانواده، با ایجاد وحدت معرفتی، ارزشی و رفتاری، موجب استحکام خانواده می‌شود و خانواده مستحکم زیربنای مهمی در استحکام تمدنی خواهد بود. از آثار تمدنی خانواده مستحکم؛ حاکمیت نوعی تمدن دین‌گرا، آخرت‌گرا و معناگرا؛ عینیت یافتن تمدن خدامحور و عینیت یافتن حاکمیت ولی خدا در جامعه، گسترش تمدن مبتنی بر عقلانیت دینی، علم دینی و نوعی انسان الهی است. در این پژوهش روش کار توصیفی تحلیلی مبتنی بر تجزیه و تحلیل محتوای کیفی است.

واژگان کلیدی

خانواده، استحکام خانواده، عوامل استحکام خانواده، سیره معصومان علیهم السلام، تمدنی، آثار تمدنی.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)

khodadadi_78@yahoo.com

ziya.mirmohammadi@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

*** مدرس دروس معارف اسلامی و دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی.

m.2110514@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

طرح مسئله

رکود تمدنی جهان اسلام در مواجهه با بحران‌های عصر جدید و دنیای مدرن یکی از ادوار تاریخی تمدن اسلامی است. این بحران فرهنگی که حاصل سیطره فرهنگ غرب است، بر تمامی حوزه‌های تمدنی، از جمله خانواده تأثیر گذاشته است. تلاش نهضت‌های فکری در جهان اسلام تحت‌عنوان بیداری اسلامی و با دغدغه ارائه راه‌حل جهت برون‌رفت از این افول تمدنی، تحت‌عنوان «تفکر اجتماعی اسلام»، به‌عنوان یکی از پرسش‌های جدی در حوزه معرفت دینی، ظهور کرد.^۱ در میان جریان‌های موجود در این حوزه نظری، در نسبت‌سنجی میان دین و زندگی، گفتمان اسلام‌گرایان تمدن‌گرا،^۲ در کنار دو جریان «سنت‌گرا»^۳ و «تجددگرا»^۴ قرار دارند. این گفتمان که نگاهی جامع، تمدن‌نگر و پیشرفت‌گرا به کارکرد دین در نسبت و ارتباطش با جامعه دارد، بر این باور است، دین می‌تواند به نیازهای زندگی در هر عصر پاسخ‌گو باشد و یافتن این پاسخ‌ها از متون دینی و با نوآوری‌های پیوسته در شیوه‌های استنباط از دین ممکن است. آنها راه‌حل برون‌رفت از افول تمدنی جهان اسلام را استنباط فرهنگ دینی مبتنی بر منابع آن، می‌دانند، با این هدف که بتوان این فرهنگ مستنبط از منابع دینی (قرآن و روایات) را جایگزین فرهنگ غربی نمود.^۵ اسطوره تمدن‌گراها، پی‌ریزی تمدن خدایی و پیشرفته،^۶ تجدید حیات تمدنی^۷ یا ایجاد تمدن نوین اسلامی^۸ بوده و حل مشکلات اسلام را در بستر تحقق تمدن نوین اسلامی می‌دانند. در رویکرد تمدن‌گرایی^۹ با ارائه تفسیر جدیدی از دین و سنت ضمن اینکه برای اسلام مبانی و ابعاد تمدنی قائل‌اند، در مورد غرب قائل به تفصیل شده و ظواهر واحد علمی و تکنولوژی غرب را از مبانی فرهنگی و

۱. سبحانی، جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی در ایران معاصر، ص ۱؛ محمدی، جریان‌شناسی نهضت‌های فکری جهان اسلام (قسمت دوم)، ص ۲۸۸؛ کلانتری، چشم اندازها (اسطوره‌ها) و بایسته‌های تغییرات اجتماعی از منظر گفتمان‌های اسلام‌گرا، ص ۳۳۸.

۲. محمدی، جریان‌شناسی نهضت‌های فکری جهان اسلام (قسمت دوم)، ص ۴؛ نک: سیدقطب، معالم فی الطريق، ص ۱۷، ۹۹ و ۱۲۰.

۳. رک: الویری و مهدی‌نژاد، جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی در ایران معاصر، ص ۲۸۷ - ۲۸۵.

۴. رک: محمدی، جریان‌شناسی نهضت‌های فکری جهان اسلام (قسمت دوم)، ص ۲.

۵. الویری و مهدی‌نژاد، جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی در ایران معاصر، ص ۳۰۲ - ۳۰۱.

۶. بن نبی مالک، نقش و رسالت مسلمانان، ص ۳۳.

۷. علوانی، اصلاح تفکر اسلامی، ص ۲۸.

۸. خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی استادان دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۹/۲۱.

۹. رک: محمدی، «جریان‌شناسی نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام؛ با تمرکز بر بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، ش ۶ ص ۱۳۴ - ۱۰۵.

معرفت‌شناختی آن تمیز دادند. اندیشمندانی همچون امام خمینی، امام خامنه‌ای، شهید محمدباقر صدر و سید قطب در این بخش قرار می‌گیرند که اندیشه جدیدی را در مقابله با غرب و اعتلای تمدن اسلامی مطرح نمودند.^۱

این رویکرد مدعی است تنها راه برون‌رفت از بحران تمدنی موجود در جوامع اسلامی حرکت به سمت نوسازی تمدن اسلامی است و حتی حضور دین در جامعه را، در گرو داشتن الگوهای کاربردی دینی در ابعاد مختلف حیات اجتماعی از یک سو و شناخت کلان و همه‌جانبه از مشکلات و معضلات فراروی جامعه می‌داند. در واقع تمدن‌گراها اجرای همه‌جانبه اسلام را تنها در قالب فرایند نوسازی جامعه به‌سوی یک الگوی مطلوب اسلامی و تأسیس نهادها و سازوکارهای متناسب آنها می‌دانند. به‌طور کلی تمدن‌سازی یک فرایند تدریجی و تاریخی است که با استوار ساختن ارزش‌های یک مکتب در بن‌مایه‌های فرهنگی جامعه آغاز می‌شود و تا شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، مناسبات اقتصادی و سیاسی، و سرانجام تولید محصولات علمی، هنری و تکنولوژیک بر پایه مدل‌های مطلوب استمرار می‌یابد. از این رو بدون داشتن الگوهای کاربردی و برخاسته از نظام معارف دینی متناسب با عصر حاضر، به دشواری می‌توان فرایند نوسازی جامعه را به سمت آرمان‌های سنتی هدایت کرد.^۲

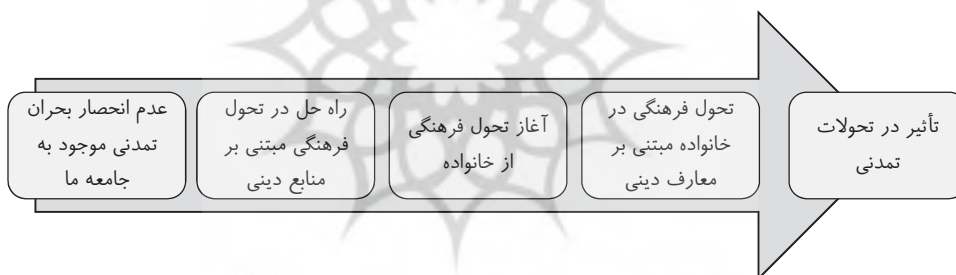
بنابراین، تدوین الگوهای مبتنی بر منابع دینی برای تمامی حوزه‌های تمدنی و خلق معناهای دینی با هدف ایجاد تحولات اندیشه‌ای، فرهنگی و استوار کردن ارزش‌های فرهنگی دین در عرصه‌های اجتماعی امری ضروری است. در این گفتمان سه مسئله سیره‌پژوهی، خانواده و تمدن به‌دلیل تأثیرگذاری بر یگدیگر دارای اهمیت هستند. اهمیت سیره‌پژوهی به‌دلیل مرجعیت نقش الگویی سیره معصومان علیهم‌السلام در آموزه‌های دینی، به‌دلیل برخورداری آنها از دانش وحیانی و مصونیت آنها از خطا به‌عنوان یکی از منابع دینی است،^۳ امری که باعث شده سیره بتواند به‌عنوان بخشی از فرایند تمدن‌سازی، زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی گشته، و به‌عنوان عاملی اثرگذار بر بخش‌های گوناگون تمدن از جمله سبک زندگی، تأثیرات بی‌بدیل بر تحولات فرهنگی و تمدنی جهان اسلام داشته باشد. اهمیت خانواده نیز به‌دلیل تأثیر آن در تمدن‌سازی است. لذا در نگاه اندیشمندان تمدن‌گرا، تبیین نسبت خانواده با دین، مبتنی بر منابع دینی و سیره‌پژوهی اهمیت دارد. بنابراین این نظریه‌پردازان دینی، در عین توجه به کارکردهای دنیوی و

۱. محمدی، جریان‌شناسی نهضت‌های فکری جهان اسلام (قسمت دوم)، ص ۴؛ نک: سید قطب، معالم فی الطریق، ص ۱۷، ۹۹ و ۱۲۰.

۲. الویری، جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی در ایران معاصر، ص ۳۰۲ - ۳۰۱.

۳. احزاب / ۲۱: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشق نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

اخروی خانواده، برای خانواده کارکردی تمدنی تعریف کرده‌اند. امام خامنه‌ای از اندیشمندان تمدن‌گرا هستند که در نظریه تمدن نوین اسلامی؛ به خانواده با نگاه کارگردرایانه دینی و به صورت سیستمی نگریسته‌اند. تأکید بر لزوم تحول در سبک زندگی و قراردادن خانواده در بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی که به عنوان بخش اصلی تمدن، می‌تواند بخش سخت‌افزاری تمدن را متأثر از خود می‌سازد،^۱ حاکی از این معنی در نگاه ایشان است که؛ خانواده با داشتن الگوهای دینی، به عنوان یکی از عوامل مهم در عرصه حیات اجتماعی، می‌تواند تأثیرات ارزشی مکتبی خود را به صورت تدریجی در بن‌مایه‌های فرهنگی جامعه و در نهادهای اجتماعی، مناسبات اقتصادی و سیاسی برجای گذارد و به دینی شدن تمدن کمک کند. با توجه به غایت نگاه تمدنی ایشان در نظریه تمدن نوین اسلامی؛ که تشکیل تمدنی مبتنی بر اسلام است، به نظر می‌رسد که پیش‌فرض نگاه ایشان این است که اولاً؛ بحران تمدنی موجود، منحصر به جامعه ما نیست و مربوط به همه جوامع اسلامی است. دوماً؛ راه‌حل این بحران تمدنی، در تحول فرهنگی جوامع اسلامی مبتنی بر منابع دینی است و سوماً؛ اینکه این تحول فرهنگی باید از تحول فرهنگی در نظام خانواده و تحول در سبک زندگی، مبتنی بر منابع دینی، آغاز گردد و در نهایت اینکه؛ تحول فرهنگی در خانواده مبتنی بر معارف دینی می‌تواند مؤثر بر تحولات تمدنی باشد.



بنابراین با توجه به رویکردی که تمدن‌گراها در بحث سیره‌پژوهی و خانواده و حل مسائل جامعه و تمدن اسلامی دارند، تبیین تأثیرات خانواده مستحکم بر تمدن اهمیت دارد. خانواده^۲ دینی کانونی است که از زن و مردی که در سایه ازدواج مشروع با هم پیوند برقرار کرده‌اند، تشکیل می‌شود.^۳ کوچکترین واحد اجتماع که با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز شده و با تولد فرزندان توسعه می‌یابد^۴ و با حاکم شدن

۱. خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۲. معین، فرهنگ فارسی، ص ۴۱۱؛ بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۷۲: خانواده در لغت فارسی به معنای خاندان و اهل خانه، اهل‌بیت و دودمان است.

۳. معاونت پژوهش، گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، ج ۲، ص ۲۰۹.

۴. جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۲۵.

نظام معنایی دینی برگرفته از سیره معصومان علیهم‌السلام^۱ به استحکام^۲ می‌رسد. این نظام معنایی دینی، نظامی مشتمل بر معرفت‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی است که در سه حوزه؛ عوامل استحکام در حوزه نگرش‌ها، عوامل استحکام در حوزه ارزش‌ها و عوامل استحکام در حوزه رفتارها قابل پیگیری‌اند و با ایجاد وحدت معرفتی، ارزشی و رفتاری در خانواده موجب استحکام آن می‌گردند. اما مراد از تأثیرگذاری خانواده مستحکم بر تمدن،^۳ تأثیرگذاری بر فرهنگ تمدن و ایجاد عقلانیت دینی برای تمدن و تأثیرگذاری بر عناصر نظام‌های تمدنی یعنی تأثیر بر نیروی انسانی، ساختار و تشکیلات، قوانین و مقررات و روابط سازمانی است.^۴

۱. واژه سیره در لغت اسم مصدر و از ماده «س ی ر»؛ (ابن فارس، *معجم مقاییس اللغه*، ج ۳، ص ۱۲۰) و به معنای طریقه، هیئت و حالت است؛ (دهخدا، *لغت‌نامه دهخدا*، ص ۱۳۸۸۵) بنابراین سیر به معنای حرکت، رفتن، راه رفتن و رفتار است و سیره به معنای نوع راه رفتن و سبک رفتار، اسلوب و متد خاصی که افراد صاحب اسلوب، سبک و منطبق در سیر خودشان به کار می‌برند؛ (مطهری، *سیره نبوی*، ص ۴۷ و ۵۸) برای «سیره» دو معنای مصطلح وجود دارد: معنای نخست: توصیف و شرح رفتار معصوم علیه‌السلام معنای تاریخ زندگی؛ جزئیات رفتار پیامبر در ۲۳ سال عصر رسالت؛ (مطهری، *سیری در سیره نبوی*، ص ۴۷) معنای دوم؛ «سبک و قاعده رفتار» است که تمرکز بر استخراج سبک و قاعده از رفتار معصوم دارد و این معنی اخص از رفتار است. لذا سیره به معنای اول، در واقع مقدمه می‌شود برای دستیابی به قواعد و سبک حاکم بر سیره، امری که در سیره به معنای دوم آن دنبال می‌شود؛ (داودی، حسینی‌زاده، *سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت، ص ۸) در رویکرد به احادیث باید به احادیث اقوال (نه فقط افعال) نیز نگریست. زیرا در آموزه‌های پیشوایان دین آنچه را که بدان سفارش کرده یا از آن نهی نموده‌اند، امری است که خود بدان عمل کرده یا از آن پرهیز نموده‌اند؛ و آن آموزه‌ها همه جنبه عملی دارد، چنان که امام علی علیه‌السلام درباره خود گفته است: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْكُمُ عَلَيْكُمْ طَاعَةَ إِلَّا وَ أَسْقُمُ إِلَيْهَا وَ لَا أَهْأَكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنِّي؛ (نهج البلاغه، خ ۱۷۴) ای مردم! به خدا سوگند، من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم جز که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم جز آن که خود پیش از شما آن را فرو می‌گذارم. دوم اینکه؛ از آنجا که، احادیث معصومان علیهم‌السلام همان راه و رسم و سیره پیامبر محسوب می‌شود.» (دلشاد تهرانی، *سبک زندگی پیامبر*، ص ۳۳ - ۳۲) پس می‌توان برای به‌دست آوردن سیره معصومان علیهم‌السلام در یک موضوع، یک دوره تاریخی ۲۷۳ ساله را بررسی نمود.*

۲. بستانی، *فرهنگ ابجدی*، ص ۵۵؛ ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ج ۱۲، ص ۱۴۳: در لغت به معنای ثابت، استوار شدن و امکان‌پذیر شدن امری است.

۳. زیرا تمدن نظام کلان اجتماعی با خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی (متولی امامی، *جستاری نظری در باب تمدن*، ص ۱۶) که دارای دو بعد نظری و عملی است. بُعد نظری نظام‌های تمدن، عقلانیت فکری و فرهنگی تمدن را شکل می‌دهد که بُعد عملی و عینی نظام‌های تمدنی را از خود متأثر می‌سازد. خاستگاه عقلانی تمدن، یا همان فرهنگ تمدن و عقلانیت اجتماعی تمدن؛ مجموعه‌ای از گرایش‌ها، بینش‌ها و باورهای جمعی است، که موثر در فعالیت و رفتار جمعی بوده و ناظر به هدف زندگی و معنایی است که در ذهنیت جمعی در مورد زندگی نقش بسته است؛ به طوری که جهت همه مسائل موجود در سیاست و فرهنگ و اقتصاد یک تمدن را مشخص می‌سازد. (متولی امامی، *جستارهایی نظری در باب تمدن اسلامی*، ص ۴۱ - ۴۰).

۴. دانشکیا، «تأثیر نگرش به دنیا در ساخت تمدن از منظر قرآن»، *دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ش ۶ ص ۱۰۱.

پیشینه‌شناسی تحقیق

کتاب **تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث**^۱، در سه بخش؛ تشکیل خانواده، عوامل تحکیم خانواده و آسیب‌شناسی خانواده، صرفاً به ارائه دسته‌بندی و ذکر روایات پرداخته‌اند. سیره خانوادگی ائمه علیهم‌السلام^۲، در این کتاب بعد از بیان مفهوم‌شناسی ازدواج و خانواده در قرآن کریم، به تبیین جایگاه، اهمیت و اهداف ازدواج در سیره معصومان علیهم‌السلام پرداخته شده است. کتاب **سیره نبوی (منطق عملی)**، **دفتر چهارم**^۳، حاوی دسته‌بندی موضوعی روایات مرتبط با خانواده و استحکام آن است. در کتاب **جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی**^۴، به تبیین دیدگاه‌های نظری در مورد استحکام خانواده پرداخته شده است. مقاله **راهکارهای تحکیم خانواده در قرآن و حدیث؛ و کوششی نظری در جهت ساخت مدل اسلامی ثبات خانواده**^۵، درصد ارائه مدلی دینی در حوزه علوم اجتماعی برای استحکام خانواده است. مقاله **بررسی محوریت نهاد خانواده در تمدن‌سازی**، محمد محمدرضایی^۶، به تبیین محوریت نقش خانواده در تمدن‌سازی پرداخته است. هیچ‌کدام از کتب و مقالات موجود مستقلاً به نقش خانواده در تمدن نپرداخته‌اند.

آثار تمدنی استحکام خانواده در سیره معصومان علیهم‌السلام

اگر تمدن را نمود فرهنگ یک جامعه بدانیم؛ سبک زندگی خانواده مستحکم دینی، به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر فرهنگ انسانی، می‌تواند بر فرهنگ تمدن (عقلانیت تمدنی) و عناصر نظام‌های تمدنی مانند ساختار و تشکیلات، برنامه‌ها، قوانین و مقررات و نیروی انسانی تمدن مؤثر باشد. اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه از طریق عملیاتی شدن طرح مهندسی و شکل کلی خانواده مستحکم در متن یک جامعه معین و انتقال ارزش‌ها و آرمان‌های خانواده مستحکم به کل جامعه، خانواده را به‌عنوان عنصری تمدن‌ساز تبدیل می‌کند که می‌تواند جهت فرهنگ تمدن و عناصر نظام‌های تمدنی را از خود متأثر سازد. تأثیرات خانواده مستحکم خود را در حاکمیت شاخصه‌های کلان فرهنگ دینی برای تمدن همچون؛

۱. محمدی ری شهری، **تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث**، با همکاری عباس پسندیده، مترجم: حمیدرضا شیخی، تحقیق: پژوهشکده علوم و معارف حدیث، ۱۹۷، دارالحدیث، چ ششم، ۱۳۹۵.
۲. سلمانی، گواری ابوالفضل، **سیره خانوادگی ائمه معصومان علیهم‌السلام**، به اهتمام اصغر منتظر القائم و مصطفی پیرمردیان، قم، مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۳.
۳. دلشاد تهرانی، **سیره نبوی (منطق عملی)**، دفتر اول، سیره فردی، تهران، دریا، پاییز ۱۳۸۸.
۴. بستان، حسین و همکاران، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۵. بستان، **مطالعات زن و خانواده**، ص ۹۸ - ۶۹.
۶. آرام، «بررسی محوریت نهاد خانواده در تمدن‌سازی»، **مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی**، ج ۲، مقالات پوستری، تهران، ۱۳۹۷.

فرهنگ توحیدمحوری و عینیت یافتن نوعی تمدن خدامحور، حاکمیت فرهنگ ولایی و فرهنگ آخرت‌گرایی در نظام اجتماعی تمدن نشان می‌دهد. تأثیراتی همچون ایجاد تعالی در فرهنگ مبتنی بر نظام دینی، گسترش فرهنگ آزادی و امنیت روانی، ایجاد جریان کنش‌های فرهنگی - ارزشی در نظام اجتماعی، کمک به حاکمیت یک تمدن معناگرا، دین‌گرا و ... از تأثیرات خانواده مستحکم بر عناصر تمدن است.

۱. حاکمیت فرهنگ توحیدمحوری در نظام اجتماعی و عینیت یافتن تمدن خدامحور

نقشه اصلی ساختمان اجتماعی اسلام از عناصر و عوامل ثابتی تشکیل شده است که چون در فطرت انسان‌ها جای دارند، همیشگی و غیرقابل تحول هستند. عناصری چون خداخواهی، نظم، محبت، راستی و آزادی اندیشه، که مهم‌ترین این عناصر، توجه به عینیت خدا در زندگی اجتماعی و تبیین ماهیت ارتباط بین نیروی انسانی یک تمدن و عالی‌ترین مرتبه وجود یعنی خداوند و گرفتن قوانین تمدنی از این منبع عالی است. شروع فراخوانی به سمت عالی‌ترین سطح از ارزش‌های معنوی و هویتی یعنی اتصال به خداوند؛ می‌تواند از خانواده دینی آغاز شود. اساساً حرکت به سمت صلاح، از فرد شروع می‌شود و خانواده مأمونی خوب و مطمئن برای تربیت افراد بشری است. فرهنگ ماندگارترین جنبه حیات بشری، ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب، ذخیره‌های فکری و ذهنی و جهت‌گیری‌هایی است که انسان در ابعاد مختلف دارد و مسائل عمده و حیات را برای انسان و جوامع بشری معنا و مفهوم می‌کند. از سویی اسلام نیز همواره نیازهای انسانی را، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، موردتوجه قرار داده است؛ لذا نهادینه کردن فرهنگ صحیح در خانواده مبتنی بر مبانی و ارزش‌های دینی از طریق آموزه‌های سیره معصومان علیهم‌السلام را، می‌توان گاهی در جهت ایجاد تحول در حیات بشری و پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های اصولی انسان دانست. جریان یافتن فرهنگ دینی در خانواده منجر به ایجاد تحولات نگرشی، ارزشی و رفتاری و در نتیجه استحکام دینی خانواده شده که، تأثیرگذاری بر تحولات دینی در حوزه اندیشه و فرهنگ جامعه، نیز از تأثیرات این نوع خانواده خواهد بود. از دستاوردهای حاکمیت فرهنگ خانواده دینی، انتقال فرهنگ خداباوری به جامعه است که از مفاهیم مهم، اصلی و زیربنایی در آموزه‌های خانواده مستحکم دینی است. از ثمرات وجود این فرهنگ در جامعه، شکل‌گیری و حاکمیت یک وحدت فرهنگی معرفتی، ارزشی و رفتاری مبتنی بر توحیدمحوری است. نگاه توحیدی به شئون اجتماعی زندگی؛ یعنی اعتقاد به مالکیت حقیقی خداوند، اعتقاد به عدالت و مقدرات الهی در شئون اجتماعی و اعتقاد به اینکه همه مخلوقات در اصل وجود و همه شئون وجودی تکویناً تحت تسلط و در اختیار خداوند هستند^۱

و طبق نظام احسن حاکم بر خلقت، خلقت هر چیزی به شایسته‌ترین وجه آن صورت گرفته است.^۱ این نوع نگاه توحیدی؛ یک وحدت رویه در روابط بین انسان و خدا، انسان و انسان و انسان و طبیعت را، در جامعه رقم خواهد زد. از نتایج این فرهنگ می‌توان به مواردی اشاره نمود همچون؛ توجه به دستورات الهی در زندگی و روابط اجتماعی و دورشدن از خودمحوری؛ توجه به رضایت خدا و هدفمندی در اهداف، روش‌ها و برنامه‌های اجتماعی، لزوم کسب قوانین اجتماعی از قوانین الهی؛ توجه به رعایت اصل تناسب و اعتدال و نه تساوی در امور اجتماعی، پرهیز از پرداختن به امور دنیوی منهای رضایت خدا، عمل به تکلیف و رضایت از آن، توجه داشتن به هدف نهایی یعنی قرب الهی، و توجه به اجرای دستورات الهی، ایجاد هم‌گرایی و هم‌افزایی دینی و جلوگیری از واگرایی فرهنگی در جامعه، بی‌توجهی و پرهیز از توجه به امور و ریاست‌های دنیوی بدون داشتن شایستگی‌های لازم، توجه به اهداف دینی در انجام مسئولیت‌های دنیوی، اشاره کرد. در هویت تمدنی متکی به خدا، ارزش‌های الهی در تحکیم روابط اجتماعی مورد توجه است و در عین توجه به دنیا و مادیات، اصالت از آن ارزش‌ها و معنویات است و همه مناسبات اجتماعی در جهت نیل به اهداف و سعادت اخروی جهت می‌یابد. در واقع پایه اصلی تمدن دینی، نه بر صنعت و فناوری، که بر فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسانی است.^۲ نقش خانواده دینی در تحقق این تمدن، به آن بخش از مبانی معرفتی، ارزشی و رفتاری خانواده دینی برمی‌گردد که؛ به توحید محوری در خانواده، توجه به حضور خداوند، کمال نهایی بودن تقرب به خدا و ارزشمندی عنصر ایمان پرداخته شده است.^۳ از مبانی فکری خانواده دینی در روایات ایمان محوری است،^۴ که منجر به تربیت انسان‌های مومن به خداوند می‌شود، افرادی که وجودشان به آماده کردن زیربنای تمدن خدامحور کمک می‌کنند. یا در آموزه‌های نگرشی خانواده، تقدس خانواده و کارکردهای آن، منوط به رضایت خدا و جریان یافتن حضور خدا در زندگی شده است. از تأثیرات پررنگ شدن حضور خداوند و نقش آن در ارزشمندی روابط خانواده، توجه به حضور خداوند در دیگر روابط انسانی خواهد بود. برقراری حاکمیت خداوند در زمین و اجرای دستورات الهی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، از طریق مشارکت افراد جامعه، الگوی حکومتی و آرمانی مورد نظر تمدن اسلامی است، که از طریق صالحان و به رهبری ولی الهی، وعده آن داده شده است، که انسان‌های مؤمن به مبانی دینی و تربیت شده در این نوع از خانواده هستند که، به تحقق این الگوی حکومتی، و محوریت خداوند در فرهنگ تمدن و ارکان تمدنی، کمک می‌کنند.

۱. یونس / ۴۷ و ۵۴؛ زمر / ۶۹ و ۷۵؛ مؤمن / ۲۰ و ۷۸.

۲. آیت‌الله خامنه‌ای، پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی ۱/۰۱/۱۳۷۳.

۳. خدادادی، رساله دکتری فصل مبانی استحکام خانواده در سیره معصومان علیهم‌السلام، ص ۴۲.

۴. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۶؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۲؛ آل عمران / ۳۸ - ۳۳.

۲. حاکمیت فرهنگ ولایی در نظام اجتماعی و تمدنی

ولایت‌محوری یک اصل اساسی در روابط فردی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه توحیدی است. در آیات قرآن امر به اطاعت از خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و اولی الامر شده است. آیه اطاعت یا آیه اولی الامر، آیه ۵۹ سوره نساء قرآن، دستور می‌دهد که مؤمنان از الله، و همچنین از پیامبر و همچنین آنان که صاحب اختیار امور هستند (اولی الامر) اطاعت کنند. منابع شیعی، این آیه را به‌عنوان یکی از دلایل اثبات ولایت و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر امامان دوازده‌گانه معرفی می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاطِيعُوا أَوْلِيَّ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری دینی اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به کتاب خدا و سنت پیامبر او عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام‌تر است.

طبق این آیه وحدت اجتماع حول یک رهبر معنوی ضرورتی اجتماعی است و ثانیاً محوریت جریان این تبعیت، براساس محبت به این ولی الهی است؛ چنان‌که در سوره شوری آمده است:

قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْوَدْعَةَ فِي الْقُرْبَى.^۲

بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

در یک جامعه اسلامی احیای تعالیم اسلام در گستره حیات اجتماعی، با هدف اشاعه فرهنگ متکی بر معنویت و آموزه‌های دینی، جزء اهداف مهم رهبران جامعه است و این مدیریت سیاسی ولی الهی^۳ است که ظهور فرهنگ اسلامی در همه سطوح و لایه‌های زندگی اجتماعی، را میسر می‌سازد. زیرا طرح‌ریزی و جهت‌دهی به سرمایه‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی در مسیر آرمان‌های دینی، نیازمند مدیریت سیاسی لایق است که بتواند جامعه را در مسیر اهداف پیش ببرد. لذا در قرآن نیز عمل صالح را، عملی دانسته که در جهت قدرت بخشیدن به ولی الهی باشد. در آیه شریفه ۲۳ سوره شوری که خداوند می‌فرماید: «بگو من هم مثل شما بشری هستم ولی به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ‌کس را در پرستش

۱. نساء / ۵۹.

۲. شوری / ۲۳.

۳. متولی امامی، جستارهای نظری در باب تمدن، ص ۱۴.

پروردگارش شریک نسازد»^۱ «عملاً صالحاً» آمده است؛ و طبق روایت باطن عمل صالح، معرفت ائمه معصومین است، چنانچه علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان درباره «وَلَا يَشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» فرمودند: «فرا نگیرد با ولایت آل محمد علیهم السلام غیر ایشان را و ولایت ایشان عمل صالح است کسی که شرک آرد به عبادت پروردگار خود، پس بتحقیق شرک آورده به ولایت ما، و کافر شده به آن و انکار نموده حق امیر المؤمنین علیه السلام و ولایت او را»^۲. در آموزه‌های سیره معصومان علیهم السلام وحدت اجتماع خانواده حول یک رهبر معنوی، و محوریت ولی خدا در جریان زندگی خانوادگی مورد توجه بوده است^۳ لذا استحکام روابط خانوادگی را به رضایت رسول خدا به‌عنوان ولی خداوند گره زده است. در روایت، تشکیل خانواده، محبوبترین بناء نزد خدا^۴ و یا حضرت رسول صلی الله علیه و آله معرفی شده است، توجه دادن زوجین به رضایت رسول خدا در زندگی، اهمیت نقش و جایگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و رضایت او به‌عنوان ولی خدا در تنظیم روابط خانوادگی، را روشن می‌سازد. مهم‌ترین ثمره جعل این جایگاه برای ولی خدا و محبت داشتن نسبت به او در زندگی خانوادگی، در ثمراتی است که از طریق تبعیت و الگوگیری از دستورات آنها در زندگی محقق می‌شود. نهادینه شدن فرهنگ محبت و تبعیت از ولی خدا، به نهادینه شدن این فرهنگ اطاعت و محبت در جامعه کمک خواهد کرد. از ثمرات این محبت و تبعیت، تبعیت اجتماعی نسبت به فرامین ولی خدا، وحدت اجتماعی حول ولی خدا و حاکمیت فرهنگ ولایی در نظام اجتماعی و ارکان تمدنی است که زمینه‌ساز رشد و تعالی فردی، خانوادگی و اجتماعی مطابق موازین دینی خواهد شد.

۳. جریان فرهنگ آخرت‌گرایی در نظام اجتماعی؛ تمدن آخرت‌گرا

جریان یافتن فرهنگ آخرت‌گرایی از اساس، با ایجاد فرهنگی الهی و معنوی برای تمدن دینی، باعث تمایز دستاوردها، جهت‌گیری در وضع قوانین و روابط این تمدن، از سایر تمدن‌ها خواهد شد. چون بین جهان بینی و ایدئولوژی انسان و رفتارهای وی پیوند تنگاتنگ وجود دارد، اعتقاد به زندگی پس از مرگ و حسابرسی اعمال، طبق آموزه‌های قرآنی در زندگی دارای نتایجی خواهد بود. کاهش اضطراب‌های فردی و اجتماعی ناشی از پوچی و بی‌هدفی، ایجاد انگیزه در انجام امورات اجتماعی، راسخ شدن عزم و اراده‌ها در مواجهه با مشکلات جبران‌ناپذیر دنیوی با تکیه بر اعتقاد به خداوند و مقابله مناسب با آنها، امید

۱. کهف / ۱۱۰.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۰۶.

۳. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳.

۴. همان؛ طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۹۶.

۵. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۹۴؛ طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۶. آل عمران / ۳۰.

به پاداش‌های اخروی و نقش مهارکنندگی و بازدارندگی این اعتقاد درباره عواقب سوء رفتارهای تعدی به حقوق دیگران، از این نتایج هستند. قرآن می‌فرماید:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.^۱

این زندگانی چند روزه دنیا افسوس و بازیچه‌ای بیش نیست، و زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت، دار آخرت است.

فرهنگ آخرت‌گرایی در خانواده مستحکم دینی، مورد توجه سیره معصومان علیهم السلام بوده است.^۲ که خود را آموزه‌هایی مانند اهمیت روش درست برای دستیابی به هدف، توجه به نتایج اخروی عمل، انتخاب همسر با ایمان، توجه به شایستگی‌های ایمانی خانواده همسر، نشان می‌دهد. این اعتقاد نه تنها راه‌حل مشکلات فردی و خانوادگی است، بلکه تنها راه‌حل مشکلات اجتماعی نیز می‌باشد. به این صورت که توجه به نتایج و عقوبت اعمال، در تضاد بین منافع فردی و اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی ایفا کند و یا در روابط باعث بروز رفتارهایی مانند؛ فداکاری، ایثار و از خودگذشتگی گردد. این اعتقاد پویایی خانواده و جامعه اسلامی را حفظ می‌کند زیرا این توجه انسان به نتایج اخروی عمل خود باعث می‌شود که او نظارت بر اعمال و رفتار خود داشته باشد و این جهان را پایان زندگی خود فرض نکند و لذا برای اهداف دینی خود دست به فداکاری و جانبازی بزند.^۳

۴. گسترش تعالی فرهنگی در نظام اجتماعی و تمدنی

تعالی فرهنگی در تمدن، وابسته به تعالی فرهنگ در میان نیروی انسانی جوامع است. در واقع نیروی انسانی تعالی با تأثیرگذاری بر زوایای مختلف تمدنی، به تعالی تمدنی کمک می‌کند. در خانواده دینی طبق آیه: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۴ مودت و رحمت جعل شده است، لذا رسالت این خانواده تربیت انسان‌های آمیخته به اخلاق و عاطفه است. به گفته علامه طباطبایی، خانواده یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های مودت و رحمت است که از یک طرف زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از طرف دیگر باعث می‌شود که هر دو، به‌ویژه زنان، وقتی فرزندان خردسال خود را در تأمین نیازهای حیاتی خویش ناتوان ببینند، به آنها مهر ورزند و به پناه دادن، نگهداری، پوشش، تغذیه و تربیت آنها اقدام کنند و اگر این مهرورزی نبود نسل بشر منقرض می‌شد و نوع انسان هیچ امر امکان حیات نمی‌یافت.^۵

۱. عنکبوت / ۶۴

۲. نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

۳. روحانی، *مبانی نظری تمدن اسلامی در قرآن*، ص ۸۲.

۴. روم / ۲۱.

۵. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

حذف بُعد اخلاقی و عاطفی، جامعه را تبدیل به یک دستگاه مکانیکی می‌کند که بحران اخلاقی هویتی خواهد داشت. این رسالت در خانواده دینی، از طریق آموزه‌هایی چون؛ توجه به عاطفه‌محوری در خانواده، شادکردن اهل خانه، تکریم، نیکی، احسان در خانواده، و نهی از انجام رفتارهایی چون بخل، بی‌اخلاقی، ناسپاسی و ... حاصل می‌شود. از آنجا که محبت و توجه عاطفی، از اخلاقیات زیربنایی در روابط اجتماعی است، خانواده دینی با ویژگی‌هایی که دارد، عامل خوبی برای ایجاد این تغییرات فرهنگی در جامعه خواهد بود. طبق فرمایش الهی در آیه ذیل، که تغییر سرنوشت انسان‌ها را به‌دست خودشان است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ هر گونه تلاش در جهت ایجاد فرهنگ متعالی در جامعه نتیجه‌بخش خواهد بود و این مسئله از سنن الهی است؛ لذا اگر افراد جامعه، دارای زیربناهای معرفتی، ارزشی و رفتاری درست باشند و در تلاش جهت اصلاح جامعه خود برآیند، آن جامعه به تعالی خواهد رسید. امری که به‌نظر می‌رسد خانواده دینی زیرساخت‌های لازم برای ایجاد آن را داراست. در کلامی حضرت رسول در اشاره به نقش و تأثیر رفتار در سرنوشت فرموده‌اند:

ما انكرتُم من زمانِكُم فيما غيرتُم من اعمالِكُم؛ فإِن يَك خيرا فآها آها، وإِن يَك شرا فآها وآها.^۲

آنچه را که از روزگارتان ناپسند می‌دارید، به سبب تغییر رفتار خود شماست. پس اگر [اعمالتان] خوب بود که به به! و اگر بد بود، آه، آه!

۵. گسترش نوعی تمدن معناگرا

توجه به ارزش‌های اخلاقی از اصول ثابت تمدن اسلامی است. حاکمیت اخلاق در فرهنگ و تمدن زیربنای گسترش امنیت، آرامش و اخلاق در جامعه و روابط اجتماعی است. این توجه به آموزه‌های اخلاقی ریشه در فطرت و سرشت انسانی و افراد بشر دارد. زیرا هر انسانی عدالت و صداقت را دوست دارد و به انصاف و امانت‌داری توجه می‌کند. در آموزه‌های روایی ما نیز این اصول اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است. حضرت رسول اکرم ﷺ هدف از بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق بیان کرده‌اند: «أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^۳ من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم.» در قرآن کریم نیز به آموزه‌های اخلاقی بسیار توجه شده است و به حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

۱. رعد / ۱۱؛ نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

۲. بن حسان الدین الهندی، *کنز العمال فی سنن القوال و الافعال*، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۳. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۶۸، ص ۳۸۲.

فَيْمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَا كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا الْقَلْبَ لَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ.^۱

اگر به اخلاق خوب متصف نبودی کسی به تو ایمان نمی آورد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای تعالی اخلاقی و معنوی را، در کنار اهدافی چون؛ آبادانی، پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی و اقتدار سیاسی، از اهداف تمدن اسلامی دانسته‌اند.^۲ در خانواده دینی توجه و تأکید بر آموزه‌های اخلاقی وجود دارد و هدف از کارکردهای عاطفی و اخلاقی که در روایات برای خانواده ترسیم شده است؛ نهادینه کردن رفتارهای عاطفه‌محور و اخلاق‌محور در تعامل با اعضای خانواده است؛^۳ به نظر می‌رسد نظام اخلاقی حاکم بر خانواده دینی، می‌تواند زیربنای خوبی برای ساخت تعاملات اخلاق‌محور با دیگر انسان‌ها، در تمدنی توحیدی را پی‌ریزی کند. زیرا در فضای اخلاق‌مداری، رعایت تقوا، بی‌توجهی به دنیاست که همکاری و تعاون‌ها شکل می‌گیرد و بالعکس در فضای بی‌اخلاقی حرص‌ها، هوای نفس‌ها و دنیاطلبی، بغض‌های شخصی و حسادت‌ها و کینه‌ها نمایان می‌گردد، که همگی این صفات اتحاد و یکدلی و وحدت اجتماعی را از بین می‌برند.

۶. حاکمیت نوعی تمدن دین‌گرا

اینکه در جدال حق و باطل، اهل حق، پیروز نهایی‌اند، وعده قرآن است؛ این وعده ترسیم‌کننده آرمان نهایی اسلام است، که تحقق آن در قالب یک تمدن دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی رقم خواهد خورد. در واقع «دین اسلام دارای آیینی جهانی است و مرز و بوم در ساختار فکری و اعتقادی آن جایی ندارد و همه افراد به‌عنوان پیکره واحد محسوب می‌شود، البته تا آنجایی که مرزهای فکری آن از جانب ملت‌ها و جوامع دیگر تهدید نشود. این مسئله در قرآن مورد توجه است:

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛^۴

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

شاخصه‌های تحقق این تمدن دینی به لحاظ فکری و عقیدتی را، می‌توان خدامحوری، ولایت‌محوری، آخرت‌گرایی و معناگرایی، ارزش‌گرایی، عقل‌محوری، علم‌محوری، عدالت‌محوری و توجه به انسان و

۱. آل عمران / ۱۵۹.

۲. خامنه‌ای، پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، ۱ / ۱ / ۱۳۷۳.

۳. خدادادی، کارکردهای اخلاقی معنوی خانواده مستحکم، ص ۱۱۰.

۴. قصص / ۵.

نیازهای مادی و معنوی او دانست، که همه این شاخص‌ها در خانواده دینی وجود دارد. از آنجا که خانواده‌ای دینی خانواده است که؛ در مبانی فکری، ارزشی و رفتاری بر مبنای الگوهای مورد پذیرش دین شکل گرفته است، می‌تواند کارکرد انتقال این مفاهیم به جامعه و نهادینه کردن آنها در جامعه را در راستای تحقق تمدنی دینی، بر عهده بگیرد.

۷. تمدن مبتنی بر نوعی علم دینی

یکی از ارکان تمدنی مسئله علوم در تمدن است. در مسئله علوم در تمدن اسلامی، جهت دینی در علم و معرفت مهم است. از امتیازهای تمدن اسلامی؛ وجود معرفت شفاف و بی‌ابهام، معرفت صحیح نسبت به دین و احکام، معرفت نسبت به جامعه، معرفت نسبت به تکلیف، نسبت به خدا و پیامبر و نسبت به طبیعت و اتکا به خرد و اهمیت دادن به مسئله عقل است. همین معرفت بود که به علم‌اندوزی منتهی شد و جامعه اسلامی را در قرن چهارم هجری به اوج تمدن اسلامی رساند. براساس آموزه‌های اسلامی هدف از بعثت انبیاء تعلیم و تزکیه مردم است^۱ و یکی از عوامل انحطاط و نابودی جوامع و تمدن‌ها نیز جلال نادانی آنها معرفی شده است.^۲ اینها همه تأکیداتی دینی است، بر اینکه علم دینی از ارکان مهم تمدن دینی است. دستور اسلام به یادگیری علم حتی از کفار، در کنار وجود فرهنگ تساهل‌ورزی در میان مسلمانان، باعث ترویج علم‌آموزی میان آنها شد.^۳ از سویی دیگر آنچه در فرهنگ دینی مهم است اینکه؛ یکی از عناصر سازنده انسان از منظر تمدنی قرآن؛ علم و دانش، تفکر، تعقل و پرورش عقل و اندیشه اوست. به دلیل اهمیت علم در فرهنگ دینی و اهمیت این مسئله درباره انسان، آنچه می‌بینیم این است که؛ در روایات خانواده تأکیدات ویژه بر مسئله تعلیم و تعلم در خانواده شده است. تعلیم اخلاق، تعلیم علم و آموزش‌های دینی در خانواده،^۴ به دلیل اهمیت علم و آموزش در تمدن دینی از سویی و تأثیرگذاری خانواده بر تمدن از سویی دیگر است. پرورش روحیه توجه به علم و علم‌آموزی در خانواده و همچنین توجه به مسئله آموزش در خانواده،^۵ به جهت تربیت نسلی با این ویژگی‌ها از درون خانواده است. نسلی برآمده از متن خانواده دینی، که بتواند در جهت ساختن یکی از ارکان تمدنی یعنی مسئله علم نقش ایفا کند.

۱. بقره / ۳؛ یونس / ۵۷؛ انبیاء / ۵۰.

۲. نمل / ۵۵؛ هود / ۷۹ - ۷۸.

۳. روحانی، *مبانی نظری تمدن اسلامی در قرآن کریم*، ص ۱۴۲ - ۱۳۸.

۴. خدادادی، *کارکردهای اخلاقی معنوی خانواده مستحکم*، ص ۱۵۱.

۵. بن حسان الدین الهمدی، *کنز العمال فی سنن القوال والافعال*، ج ۷، ص ۲۸۱.

۸. تمدن مبتنی بر نوعی عقلانیت دینی

هر تمدنی پایه‌های عقلانی دارد، مجموعه از گرایش‌ها و بینش‌ها و باورهای جمعی که در فعالیت و رفتار جمعی مؤثر است. اعتماد به عقل، خردورزی و دوراندیشی در چارچوب جهان‌نگری توحیدی اسلام اهمیتی بسزا دارد. به چند دلیل می‌توان اهمیت عقل به‌عنوان یک رکن اصلی در تمدن اسلامی را بیان کرد؛ دلیل اول اینکه؛ از امتیازهای برجسته تمدن اسلامی اهمیت دادن و اتکا به خرد و به عقل است. دوم؛ وجود سفارش‌های بسیار در آموزه‌های اسلامی، درباره تفکر، تدبیر و تعقل آدمی است.^۱ سوم؛ اینکه قوام انسانیت انسان به قوه عقلانیت اوست. در تمدن دینی، سطوح سه‌گانه عقل نظری، عقل عملی و عقل معاش مورد توجه است و سخن از نقش محوری انسان در تمدن، در واقع سخن از تأثیرگذاری دستاوردهای عقل نظری و عقل عملی انسان در تمدن است.^۲ روایات موجود درباره تفکر و تدبیر در دین همگی ناظر به توجه به عقل نظری است. عقلی که راهنمای انسان در حوزه ارزش‌ها است و درباره هست‌ها و شناخت فلسفه حیات و فلسفه وجود انسان و تنظیم رابطه انسان با خود و خدا و جهان سخن می‌گوید. در عقل عملی به تنظیم رابطه انسان و اخلاقیات پرداخته شده است و درباره بایدها و نبایدها در مقام عمل سخن می‌گوید، که تمامی دستورات اخلاقی و حقوقی دین در این حوزه قرار می‌گیرد. عقل معاش به تشخیص ابزارهای مورد نیاز انسان برای زندگی می‌پردازد و توجه اسلام به این حوزه، در تأیید هرگونه تلاش برای رسیدن و دستیابی به رفاه بیشتر است، تا جایی که بر خلاف شرع نباشد.^۳ تأثیر خانواده مستحکم در سایر سطوح عقلانیت تمدنی؛ را می‌توان دید. نقش اساسی در این بخش بر عهده انسان‌های تربیت شده این کانون است، زیرا در خانواده دینی به این سطوح عقلانیت توجه شده است. تعریف مبانی الهیاتی برای خانواده در سیره معصومان علیهم‌السلام؛ همچون توحیدمحوری، ولایت‌محوری و معادمحوری و تعریف مبانی انسان‌شناختی چون؛ توجه به همه ابعاد وجودی انسان و کرامت‌های انسانی، و تعریف مبانی ارزشی چون؛ ارزشمندی ایمان‌محوری و هدف‌محوری در زندگی؛ ناظر به پرورش عقل نظری انسان در خانواده دینی است.^۴ وجود آموزه‌هایی چون ایجاد جریان توحید عملی در جهت استحکام خانواده و وجود جریان هدفمند نهادینه نمودن توجه به تأثیرکنش‌های مثبت و منفی در استحکام یافتن زندگی،^۵ پرورش عقل عملی و ابزاری انسان در جریان زندگی خانوادگی محسوب می‌گردد. این دستورات

۱. نورالانوار واژه عقل در روایات اسلامی و مشتقات آن ۳۶۸۸ بار تکرار شده است؛ روحانی، *مبانی نظری تمدن اسلامی در*

قرآن کریم، ص ۱۴۰.

۲. روحانی، *مبانی نظری تمدن اسلامی در قرآن کریم*، ص ۱۳۲ - ۱۳۰.

۳. همان، ص ۱۳۴ - ۱۳۲.

۴. خدادادی، *رساله دکتری، فصل مبانی استحکام خانواده*، ص ۴۴.

۵. همان، ص ۶۴.

که جهت استحکام خانواده دینی بیان شده است؛ با پرورش عقلانی اعضا، می‌تواند زیربنایی مهم در پرورش عقلانی جامعه دینی باشد.

۹. گسترش فرهنگ آزادی و امنیت روانی در نظام اجتماعی

گسترش فرهنگ آزادی معقول و امنیت روانی در نظام اجتماعی، از علل تعالی فردی و اجتماعی در تمدن دینی است. اسلام انسان را مرکب از روح و جسم می‌داند^۱ و هنگامی انسان به استقلال و آزادی حقیقی و امنیت روانی دست می‌یابد که فطرت خدایی و حقیقت‌جویی خود را از قید جاذبه‌ها و کشش‌های مادی و دنیوی که از «من مادی و حیوانی» سرچشمه می‌گیرند برهاند و در مسیر حقیقی خود قرار دهد. به عبارتی وجود هر انسانی، عرصه جدال و کشمکش نیروهای است که دائماً در تلاش هستند تا افکار و رفتار انسان را به جهت خود متمایل سازد و او را بنده خود کنند، در این میان آزادی معنوی زمانی تحقق می‌یابد که قسمت روحانی و انسانی فرد، از قسمت حیوانی و شهوانی او آزاد باشد.^۲ در اسلام مبنای اصلی آزادی انسان، نقطه کانونی آزادی، توحید است. توحید فقط عبارت از اعتقاد به خدا نیست بلکه توحید عبارت است از اعتقاد به خدا، و کفر به طاغوت؛ عبودیت خدا، و عدم عبودیت غیر خدا؛ «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَكَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا»^۳ نمی‌گوید «لا نشرك به احدا» - البته یک جائی هم «احداً» دارد، اما اینجا اعم از آن است - می‌فرماید: «وَكَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا»؛ هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهید. یعنی شما اگر از عادات بی‌دلیل پیروی کنید، این برخلاف توحید است؛ از انسان‌ها پیروی کنید، همین جور است؛ از نظام‌های اجتماعی پیروی کنید، همین جور است - آنجایی که به اراده الهی منتهی نشود - همه اینها شرک به خداست، و توحید عبارت است از اعراض از این شرک. «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»^۴؛ کفر به طاغوت وجود دارد، بعدش هم ایمان به خدا. خُب، این معنایش همان آزادی است. یعنی شما از همه قیود، غیر از عبودیت خدا، آزادید.^۵ در قرآن کریم دستوراتی در نفی استثمار و صیانت از آزادی و استقلال افراد وجود دارد که می‌فرماید: «بَعْضُنَا بَعْضًا اِرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»^۶. بنابراین در آموزه‌های اسلامی آزادی اجتماعی اهمیت دارد به این معنا که در

۱. حجر / ۲۹.

۲. مطهری، مقدمه ۱/ بر جهان بینی اسلامی، جهان بینی توحیدی، ص ۳۹.

۳. آل عمران / ۶۴.

۴. بقره / ۲۵۶.

۵. خامنه‌ای، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱/۸/۲۳.

۶. آل عمران / ۶۴.

اجتماع شرايطی وجود داشته باشد که به موجب آن انسان از قید اسارت و بندگی انسان‌های دیگر آزاد باشد. هنگامی آزادی اجتماعی در جامعه حاکم است که روابط و قوانین اجتماعی مانعی در راه رشد و تکامل فرد نباشد. ارزشمندی اخلاقیاتی چون تساهل، مدارا، رفق، توجه به حقوق یکدیگر به مفهوم مثبت و اسلامی آن، توجه و حفظ کرامت انسانی، اخلاق‌مداری و دیگر کنش‌های مثبت تأثیرگذار بر روابط خانوادگی، با هدف ایجاد فضای امن و آزاد برای رشد و تعالی فردی اعضاء خانواده است.^۱ لذا این صفات همگی معنایی کاملاً اخلاقی و ارزشی به خود می‌گیرند. در تساهل فکری - عقیدتی در مقام نظر و اندیشه؛ افراد در پذیرش فکر و اندیشه مخالف آزادی دارند. تساهل عقیدتی در مقام اجازه دادن به افراد یا گروه‌ها برای بیان و اعمال اندیشه‌ها و آراء است و تساهل هویتی ناظر به تساهل در ویژگی‌های غیراختیاری همچون جنس، نژاد، ملیت، رنگ و فرهنگ صاحبان آنها است و به نوعی منادی همزیستی مسالمت‌آمیز افراد انسانی است. و تساهل رفتاری که به تساهل در رفتارهای فردی و اجتماعی در عرصه تعاملات اجتماعی و مناسبات گروهی اطلاق می‌گردد. از رفتارهای زیبای پیامبر اسلام تحمل و مدارا با مخالفان و شنیدن عقاید آنها بود که قرآن آن را تأیید کرده و برای جامعه مفید می‌داند. به‌عنوان مثال خداوند به مؤمنان توجه می‌دهد که پیامبر بسیاری از حرف‌ها را می‌شنود و حتی تصدیق می‌کند با آنکه می‌داند برخی از آنها باطل است، از باب اینکه نمی‌خواهد به شما سخت‌گیری کند. در این باره خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.^۲

و بعضی (از منافقان) هستند که دائم پیغمبر را می‌آزارند و (چون عذر دروغ آنها به حلم خود می‌پذیرد) می‌گویند: او شخص ساده و زودباوری است. بگو زودباوری او لطفی به نفع شماست، که به خدا ایمان آورده و به مؤمنان هم اطمینان دارد و برای مؤمنان (حقیقی) شما وجودش رحمت است، و برای آنها که رسول را آزار دهند عذابی دردناک مهیاست.

اینکه شالوده فکری رفتاری افراد در خانواده بر تعامل، مدارا، رفق، همکاری و توجه به رعایت حقوق همدیگر بنا می‌شود، تا افراد مانع آزادی‌های فکری، اجتماعی و معنوی هم نشوند و بتوانند در کنار هم به تعالی یکدیگر کمک کنند، زیربنای این معارف آزادی معنوی و فرهنگ آزادی اجتماعی است که از اهداف و رسالت انبیا و از آزادی‌های مدنظر اسلام می‌باشد.^۳ لذا در فرهنگ خانواده که زیربنای فرهنگ

۱. خدادادی، رساله دکتری، فصل مبانی استحکام خانواده، ص ۹۹.

۲. توبه / ۶۱

۳. مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، جهان‌بینی توحیدی، ص ۱۹.

اجتماعی را شکل خواهد داد؛ سعی شده که به انسان کمک شود تا در جدال و کشمکش بین کشش‌های مادی و معنوی، بتواند در عین توجه به نیازهای مادی و جسمانی‌اش، به اهداف روحانی و معنوی‌اش هم برسد.

۱۰. حاکمیت فرهنگ نگاه امانت الهی در نظام تمدنی

مسئولیت دادن به بندگان شایسته و مسئولیت‌خواهی از آنان از سنن الهی در تمدن دینی است. در این باره خداوند می‌فرماید که سؤال از همه کس حتمی است؛

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ^۱

قطعاً از مردمی که (پیامبران) به سویشان فرستاده شدند، سؤال و بازخواست خواهیم کرد و قطعاً از خود پیامبران (نیز) خواهیم پرسید.

خداوند از پیامبران خود هم درباره حمل امانت الهی و مسئولیت ادارا مردمان پرسش می‌کند. حدیثی که از امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه نقل شده، نیز این معنی را تأیید می‌کند، آنجا که می‌فرماید:

فيقام الرسل فيسئلون عن تاديه الرسالات التي حملوها الي ائمتهم فاخبروا انهم قد ادوا ذلك الي ائمتهم.^۲

پیامبران را نگره می‌دارند و از آنها سؤال می‌کنند که آیا رسالت خویش را به امت‌ها رساندند یا نه؟ آنها پاسخ می‌گویند که این وظیفه را انجام داده‌اند.

در روایات داشتن دینداری در زندگی را سپر زندگی معرفی کرده‌اند^۳ و از ثمرات دینداری، وجود نگاه امانتداری در زندگی برشمرده‌اند.^۴ نگاه امانتدارانه در زندگی یعنی انسان نسبت به خود و هر آنچه در اختیار دارد خود را امانتدار و مسئول بداند، که باید مطابق با خواست مالک در این داشته‌هایش تصرف کند. ارزشمندی مسئله دینداری و نگاه امانتدارانه در زندگی در روایات، در قالب مواردی مثل؛ تأکید بر اینکه همسر هم ودیعه‌ای الهی است در اختیار مرد که باید مرد توجه کامل به نوع رفتار خود با او داشته باشد،^۵ و یا روایات مشابه این که بهترین مردان امت را مهرورزان به خانواده خود معرفی می‌نمایند،^۶ مورد توجه قرار گرفته است. در راستای همین نگاه است که زوجین را نسبت به هم مسئول معرفی

۱. اعراف / ۶

۲. عروسی حویزی، *تفسیر نورالتقلین*، ج ۲، ص ۴.

۳. التیمی الامدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ج ۴، ص ۲۱۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۲۳؛ *الواسطی، عیون الحکم و المواعظ*، ص ۲۰۸.

۵. نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

۶. طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ج ۱، ص ۴۶۸.

می‌نماید^۱ یعنی در خانواده همگی نسبت به هم مسئولیت دارند و مورد سوال قرار خواهند گرفت. زیربنای مسئولیت‌پذیری در خانواده؛ ایمان به خداوند و روز قیامت و پاسخ‌گویی در محضر الهی است. نگاه امانتداری مبتنی بر مسئولیت‌پذیری مؤمنانه نسبت به هم از شاخصه‌های مهم رفتاری مستحکم‌کننده خانواده دینی است. اما آنچه حائز اهمیت است اینکه؛ تربیت نسل مومن و مسئول در خانواده، نسلی که نسبت به جامعه و افراد آن خود را مسئول بدانند و رسیدگی و توجه به وظایف اجتماعی خود را از وظایف الهی و دینی خود بدانند؛ زیربنای ساخت فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و استحکام اجتماعی جامعه است.

۱۱. تمدن مبتنی بر نوعی انسان الهی

از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی در اسلام؛ خلافت الهی برای انسان، امانتداری الهی و مسئولیت در برابر این امانت الهی است. توحیدمحور بودن روابط انسانی، خداجویی و معنویت‌گرایی، عدالت‌جویی و کرامت انسانی، توجه به فطرت و سرشت انسانی، توجه به اراده و اختیار انسان، استمرار و ثبات سنت‌ها، خردورزی، اعتدال‌گرایی، وحدت و همدلی، پرهیز از اختلاف و آخرت‌گرایی و پیوند میان دنیا و آخرت، از دیگر مبانی انسان‌شناسی در اسلام است.^۲ تربیت انسان در خانواده دینی؛ زمینه‌ساز تحقق تمدنی دینی به رهبری اولیای الهی خواهد بود. در اشاره به کارکرد نسل مؤمن در خانواده دیندار در روایتی از امام جعفر صادق علیه‌السلام به این نکته اشاره شده است: زمانی که یوسف برادرش را ملاقات کرد و گفت برادر چگونه توانستی پس از من ازدواج کنی و او پاسخ داد پدرم مرا امر کرد و فرمود:

إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تَمْتَلِكُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ.

اگر می‌توانی فرزندی داشته باشی که به‌وسیله تسبیح خداوند، زمین را گران‌بها سازند، پس ازدواج کن.^۳

از مقامات انسان در تمدن دینی، امانت الهی است که به انسان عرضه شده است و برای انسان مسئولیت‌هایی در قبال این مقامات الهی ترسیم شده است و طبق روایت امام صادق علیه‌السلام مراد از عمل صالح انسان^۴ ایمان به ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام است. یعنی مراد از امانت، ولایت الهی است، ولایتی که از سوی خداوند و به جهت هدایت انسان‌ها بوده؛ لذا انسان‌ها را خداوند امر به اطاعت از اولیای خود کرده است و فرموده:

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۲. روحانی، مبانی نظری تمدن اسلامی در قرآن کریم، ص ۱۸۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲.

۴. کشف / ۱۱۰.

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَارْتَبِعُوا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ.^۱

بگو فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر (از آنان) روی گردانید (و کافر شوید) همانا خدا هرگز کافران را دوست ندارد.

از کارکردهای خانواده دینی می‌توان به تربیت نسل با ایمان اشاره کرد که خود را در مقابل امانت الهی^۲ مسئول بداند و در جهت رسیدن به مقام خلافت‌اللّٰهی خود^۳ با اطاعت از ولی خدا تلاش کند. دادن این مقام به انسان در قرآن حاکی از ارزشمندی و جایگاه انسان مؤمن در خلقت است. این مقام برترین مقامی است که خداوند به انسان داده است و هدف تمامی آیات قرآن رساندن و هدایت انسان برای دست یافتن به این مقام است.^۴

انسان با تربیت الهی زمینه‌ساز حاکمیت تمدن مبتنی بر مقام خلافت‌اللّٰهی است؛ زیرا همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این مقام را دارند ولی چون بالفعل این انسان‌های کامل هستند که دارای این مقام هستند،^۵ کارکرد نسل با ایمان همراهی با ولی خدا در جهت تحقق بخشیدن به حاکمیت تمدن دینی و عینیت دادن به عالی‌ترین سطح تحقق مقام خلافت‌اللّٰهی در لوای مدیریت الهی ولی خدا است، امری که مسیر دیگر انسان‌ها در دست یافتن به مقام خلافت‌اللّٰهی را، نیز زمینه‌سازی می‌کند.

۱۲. جریان کنش‌های فرهنگی، ارزشی در نظام اجتماعی

جریان کنش‌گرایی فرهنگی بر مبنای ارزش‌های دینی در نظام اجتماعی، از اثرات خانواده مستحکم دینی است. وجود مبانی ارزشی همچون توجه به غایت الهی در افعال،^۶ لزوم توجه به همراهی ایمان و عمل صالح،^۷ توجه به منشا ارزشی ایمان که از ضرورت‌های موجود در خانواده دینی است،^۸ باعث سامان دادن تمامی اهداف و اصول و روش‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها حول این مبانی ارزشی می‌گردد. از دیدگاه قرآن مطلوب نهایی برای انسان رسیدن به سعادت، فلاح و فوز تعبیر شده است که همان تقرب الی الله است.^۹

۱. آل عمران / ۳۲.

۲. احزاب / ۷۲.

۳. بقره / ۳۰.

۴. جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۲۸۰.

۵. روحانی، مبانی نظری تمدن اسلامی در قرآن کریم، ص ۱۸۲.

۶. ری شهری، دانشنامه قرآن و حدیث، ص ۲۷۰.

۷. همان، ص ۱۷۵.

۸. مؤمنون / ۱.

۹. مصباح یزدی، انسان‌سازی در قرآن، ص ۳۲.

در نتیجه همراهی ایمان و عمل صالح^۱ و توجه به انگیزه‌های ایمانی در ازدواج^۲ دارای اهمیت بیان شده است. تحقق جریان ایمان محوری در نظام فرهنگی جامعه، متأثر از نظام خانواده به معنی سوق یافتن همگرایی‌ها و واگرایی‌های اجتماعی بر محور مبانی دینی، توجه به شایسته‌سالاری دینی و بی‌توجهی به ملاک‌های غیرایمانی مانند حاکمیت روابط بر ضوابط دینی، عدم‌توجه به نژاد، رنگ، جغرافیا و ... در انتخاب‌ها و فعالیت‌ها و تصمیمات است. به‌عنوان مثال؛ انتخاب مدیران و مسئولان مؤمن و باتقوا در تحقق اهداف دینی، ایجاد وحدت اجتماعی و جلوگیری از تفرقه در جامعه از مصادیق این تأثیرات خواهد بود. عدالت‌گرایی و توجه به اجرای آن از کنش‌های فرهنگی ارزشی در نظام فرهنگی جامعه است. عدالت به مثابه فضیلتی فردی و اجتماعی از ارزش‌های اسلامی در حیطه نظر و عمل بوده و اقامه قسط از اهداف مهم جامعه اسلامی در میدان عمل اجتماعی است. اگر عدل انسانی را به دو شاخه عدل فردی و اجتماعی^۳ تقسیم کنیم؛ بخشی از روایات خانواده که به مسئله رعایت حقوق در خانواده^۴ از سوی زن و مرد در خانواده به جهت رضایت الهی^۵ پرداخته است، را باید در راستای نهادینه کردن عدالت فردی و اجتماعی دانست. عدل در مضمون کلی، تحقق حقوق سه‌گانه (نفس، ناس و رب) از ارزش‌های اسلامی به‌شمار می‌رود. تربیت دینی افراد در خانواده، به تحقق عدل در سایر کنش‌های اجتماعی مانند رعایت عدالت اداری، عدالت در پرداخت حقوق، عدالت در انتصاب‌ها و ... توسط این افراد کمک می‌کند. گسترش فرهنگ زیست مسالمت‌آمیز، از دیگر کنش‌های فرهنگی ارزشی در نظام فرهنگی جامعه است که متأثر از آموزه‌هایی چون توصیه به رفق، مدارا، همکاری، تغافل، تحمل و عفو^۶ در تعاملات خانوادگی، در جامعه شکل خواهد گرفت. روابط اجتماعی متأثر از این ضوابط اخلاقی در جامعه، به معنای داشتن نیروی انسانی با اخلاق در جامعه است. انسان‌ها در این نظام تمدنی از دست‌اندازی به حقوق دیگران خود را منع می‌کنند، امری که موجب ایجاد زیستی مسالمت‌آمیز و اخلاق‌محور در اجتماع انسانی خواهد شد. کما اینکه در توصیه‌های اجتماعی امام علی علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر هم به ضرورت وجود این زیست مسالمت‌آمیز در جامعه اشاره فرموده‌اند:

۱. بقره / ۸۲.

۲. شعیری سبزواری، *جامع الأخبار او معارج الیقین فی اصول الدین*، ص ۱۰۱؛ غزالی، *احیاء علوم الدین*، ج ۲، ص ۳۷.

۳. مطهری، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی جهان‌بینی توحیدی*، ص ۱۳۲.

۴. رک: خدادادی، *رساله دکتری، فصل عوامل استحکام خانواده*، ص ۶۴؛ کلینی، *کافی*، ج ۵، ص ۷۵؛ مجلسی، *بحار*

الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲.

۵. بقره / ۲۲۸؛ الشعیری السبزواری، *جامع الاخبار او معارج الیقین فی اصول الدین*، ص ۲۷۶.

۶. خدادادی، *رساله دکتری، فصل عوامل استحکام خانواده*، ص ۶۴.

... و لا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا (ضاريا) تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ، وَ تَعْرُضُ لَهُمُ الْعِلُّ، وَ يُؤْتِي عَلِيَّ أَيْدِيَهُمْ فِي الْعَمَدِ وَ الْحَطَا، فَاعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضِي أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ وَ لَا تَنْدَمَنَّ عَلَيَّ عَفْوِي، وَ لَا تَبْجَحَنَّ بِعَفْوِي.^۱

نسبت به آنان حیوان درنده‌ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند، یا هم‌نوع تو، که از ایشان لغزش سر می‌زند و در معرض درد و گرفتاری‌ها قرار دارند و دانسته و ندانسته خلاف می‌کنند. بنابراین، همان‌گونه که دوست داری خداوند تو را ببخشد و از خطاهایت درگذرد، تو نیز آنان را ببخش و از خطاهایشان درگذر. از بخشش و گذشت هرگز پشیمان مباش و از کیفر دادن خوشحالی مکن.

از دیگر کنش‌های فرهنگی ارزشی در نظام فرهنگی جامعه؛ گسترش فرهنگ واحد و هدفمند در سبک زندگی است که زمینه‌ساز ایجاد این فرهنگ، وجود فطرت الهی مشترک بین انسان‌ها (وجود استعدادها، قابلیت‌ها و زمینه‌های خلقی مشترک) و هدف مشترک^۲ که همان قرب الهی است، می‌باشد. لذا در فرهنگ دینی ارائه اهداف، اصول و برنامه‌های مشترک برای انسان‌ها مبتنی بر این فرهنگ امری موجه است. مبتنی بر همین امر غایت تمدن دینی، تحقق حکومت دینی در جهان است، و غایت خانواده دینی نیز، تحقق دین و آموزه‌های دینی در خانواده است. بنابراین به علت اشتراک میان اهداف، اصول و برنامه‌ها در خانواده دینی و تمدن دینی، نقش خانواده در تحقق این تمدن بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. تحقق تمدن دینی نیاز دارد که تمامی اجزای آن اعم از نیروی انسانی، ساختار و تشکیلات، قوانین و مقررات و روابط سازمانی بر محور دینی شکل گرفته و اداره گردد و نقش خانواده دینی، تربیت نیروی انسانی متخلق به اخلاق دینی و کمک به ایجاد فرهنگ دینی در جامعه است که زیرساخت تحقق تمدن دینی خواهد بود. به‌عنوان نمونه وقتی در خانواده دینی این‌گونه است که؛ تقرب به خدا و رسیدن به سعادت از طریق رعایت حقوق و احترام به قوانین الهی در زندگی محقق است؛ این مسئله تأثیر خود را در ایجاد این فرهنگ دینی برای تمدن، ساخت نیروی انسانی متعهد و متخلق به این‌گونه اخلاق‌های دینی، جریان یافتن انگیزه‌های الهی در اهداف، اصول و برنامه‌های دینی نشان خواهد داد. که این مسئله به دلیل همان وحدت فرهنگی است که میان اهداف و برنامه‌های خانواده دینی و تمدن دینی وجود دارد.

۱. نهج البلاغه، ن ۵۳.

۲. واعظی، انسان از دیدگاه اسلام، ص ۷۸ - ۷۷.

نتیجه

خانواده به‌عنوان کوچکترین و زیربنایی‌ترین نهاد تمدنی، نقطه خوبی برای شروع تحولات اساسی در حوزه فرهنگ و تمدن است. مبتنی بر رویکرد تمدن‌گرایی و در پی دست یافتن به راه حلی مبتنی بر دین، به جهت برون‌رفت از بحران تمدنی جهان اسلام، آثار تمدنی خانواده مستحکم بر تمدن بررسی شد. در رجوع به منابع دینی آنچه مشاهده شد اینکه؛ حاکم شدن نظام دینی برگرفته از سیره معصومان علیهم‌السلام نظامی مشتمل بر معرفت‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی در خانواده با ایجاد استحکام در خانواده، زیربنای مهمی در تحقق استحکام تمدنی می‌گردد. و آثار تمدنی خانواده مستحکم؛ حاکمیت نوعی تمدن دین‌گرا، آخرت‌گرا و معناگرا؛ عینیت یافتن تمدن خدامحور و عینیت یافتن حاکمیت ولی خدا در جامعه، گسترش تمدن مبتنی بر عقلانیت دینی، گسترش تمدن مبتنی بر علم دینی و تمدن مبتنی بر یک نوعی انسان الهی، ایجاد کنش‌های فرهنگی ارزشی، در نظام اجتماعی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

۱. آرام، محمدرضا، «بررسی محوریت نهاد خانواده در تمدن‌سازی»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، ج ۲، مقالات پوستری، تهران، ۱۳۹۷.
۲. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، *بیانات*، نرم افزار ولایت، در دیدار جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۳. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، *بیانات*، نرم افزار ولایت، در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی استادان دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۹۱/۹/۲۱.
۴. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، *پیام*، نرم افزار ولایت، به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، ۱۳۷۳/۱/۱.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، محقق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن فارس، ابوالحسین احمد، *معجم مقاییس اللغة*، بتحقیق وضبط عبدالسلام محمد هارون، الطبعه الثانيه، مصر، شرکه مکتبه و مطبعه الحلبي، ۱۳۸۹ ق.
۷. ابن منظور، جمال الدین بن محمد بن مکرم، *لسان العرب*، نسقه و علق و وضع فهارسه علی شیری، الطبعه الاولى، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۸. بستانی، فواد افرام، **فرهنگ ابجدی**، تهران، نشر اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۵.
۹. بن نبی، مالک، **نقش و رسالت مسلمانان**، ترجمه صادق خرم رودی، تهران، نشر احیاء، ۱۳۳۷.
۱۰. التیمی الامدی، عبدالواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، تحقیق میر سید جلال الدین المحدث الادموی، طهران، جامعه الطهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۰.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، **صورت و سیرت انسان در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)**، تنظیم و ویرایش غلامعلی امین دین، قم، مرکز نشر فرهنگی اسراء، ۱۳۸۵.
۱۲. دانشکیا، محمد حسین، «تأثیر نگرش به دنیا در ساخت تمدن از منظر قرآن»، **دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی**، دوره ۳، ش ۲، پیاپی (۶)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۱۳. داودی، محمد، حسینی زاده سیدعلی، **سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، **سبک زندگی پیامبر اعظم**، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.
۱۵. دهخدا علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، ناشر مؤسسه انتشارات، چ دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷.
۱۶. روحانی، سعید، **مبانی نظری تمدن اسلامی در قرآن کریم**، قم، نجم الهدی، چ ۱، ۱۳۹۸.
۱۷. سبحانی، محمد تقی، «جریان شناسی اندیشه اجتماعی در ایران معاصر»، **نقد و نظر**، سال یازدهم، ش سوم و چهارم، بخش نخست، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۱۸. سید قطب، سید ابراهیم، **معالم فی الطریق**، بیروت، دارالشرق، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. الشعیری السبزواری، محمد بن محمد، **جامع الاخبار او معارج الیقین فی اصول الدین**، تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم، مؤسسه آل البیت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الثانية، ۱۳۹۴ ق.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، قم، نشر الشریف الرضی، ۱۳۷۰.
۲۲. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، صححه و علق علیه و اشرف علی طبعه هاشم الرسولی المحلاتی، قم، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۲۳. علوانی، طه جابر، **اصلاح تفکر اسلامی**، ترجمه محمود شمس، (ماشاء الله شمس الواعظین)، تهران، قطره، ۱۳۷۷.

۲۴. الغزالی، ابو حامد محمد بن محمد، *احیاء علوم الدین*، الطبعة الاولى، قم، دار الهادی، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. الویری، محسن و مهدی نژاد، «تاریخ و علوم اسلامی، نگاهی کاربردی به اسلامی سازی علوم اسلامی»، *خردنامه همشهری*، ش ۹۴، ص ۵۱-۳۷، فروردین ۱۳۹۱.
۲۶. کلانتری، عبدالحسین، حسن ناصر خاکی، «چشم اندازها (اسطوره‌ها) و بایسته‌های تغییرات اجتماعی از منظر گفتمان‌های اسلام‌گرا»، *فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، س ۵، ش ۲، پاییز و زمستان ۹۴، ص ۳۵۳-۳۲۹.
۲۷. الکلینی، ابو جعفر ثقه الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، *الکافی*، تحقیق: غفاری، علی الاکبر، بیروت و طهران، دار صعب و دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثالثة و الخامسة، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. متولی امامی، سید محمد حسین، *جستارهای نظری در باب تمدن*، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، الطبعة الثالثة، المكتبة الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. محمدی ری شهری، با همکاری جمعی از پژوهشگران، *دانشنامه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی و دیگران، ج ۱، دارالحدیث، چ ۲، ۱۳۹۰.
۳۱. محمدی، محسن، «جریان‌شناسی نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام؛ با تمرکز بر بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، *نشریه جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل*، ش ۶، زمستان ۱۳۹۳.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی، *انسان‌سازی در قرآن*، تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲.
۳۳. مطهری، مرتضی، *سیری در سیره نبوی*، تهران، صدرا، ۱۳۶۷.
۳۴. مطهری، مرتضی، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، جهان بینی توحیدی، قم، صدرا، ۱۳۵۷.
۳۵. معاونت پژوهش، گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، *تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چ ۴، زمستان ۱۳۸۸.
۳۶. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۰.
۳۷. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۹.

۳۲ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، پاییز ۱۴۰۱، ش ۴۸

۳۸. الهندی، علاءالدین علی الممتقی بن حسان الدین، *کنز العمال فی سنن القوال و الافعال*، تحقیق، صفوه السقاء، حلب، الطبعة الاولى، مكتبة التراث الاسلامی، ۱۳۸۹ ق.
۳۹. الواسطی، ابوالحسن علی بن محمد اللیثی، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق، حسین الحسنی البیرجندی، الطبعة الاولى، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶.
۴۰. واعظی، احمد، *انسان از دیدگاه اسلام*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۷۷.

